

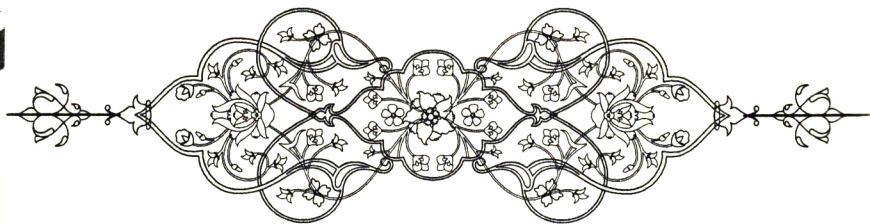
# گالیپور

علیرضای مَترجم السَلَطَنه

به اهتمام: هاشم ساءپور



تہران ۱۳۹۸



## قسمت اول

تفصیل مسافرت کُولی و در مملکت لی لی پوت  
کُولی و رسب سمر اول خود را حکایت می کند کشتی او عرق می شود و  
در مملکت لی لی پوت نجات می یابد او را رنجیر کرده به مکان بعیدی  
در آن مملکت می برسد

## فصل اول

پدر من پنج پسر داشت من پسر سیمی او بودم مرا نه سن چهارده سالگی «در کامریج» به مدرسه امانوئل فرستاد و سه سال در آنجا توقف کردم ولی چون محارح معاش من در آن مدرسه به اندازه کفاف نبود، مرا به شاگردی ریدست «موسیوژاک بات» که حراح معروف لندن بود گذاردند چهار سال برد او ماندم بعضی اوقات پدر مبلغ قلیلی تحووه برای من می فرستاد و من آن را برای آموختن علم ملاحی و علوم ریاضی که به جهت مسافرت دریا لازم است صرف می نمودم و عاقبت خود را در همین کار، یعنی در بحر پیمایی تصوّر می نمودم چون از «موسیوژاک بات» مفارقت کردم برد پدر مراحت نموده، از او و از بعضی اقوام مبلغ چهل لیره انگلیسی گرفتم و آن ها به من وعده دادند که یک صد لیره دیگر برای معاش من در لیدی بفرستند و من به شهر لیدی رفتم، دو سال و هشت ماه در آنجا مشغول تحصیل علم طب شده و مطمئن بودم